

چنانکه گفتیم این قضایا ۳ نوع هستند، اما با توجه به اینکه اصولیون بحث از حمل شایع را یک جا مطرح کرده اند، آنها را در بحث واحدی مطرح می‌کنیم.

مرحوم آخوند این نوع حمل را مورد اشاره قرار داده و می‌نویسد:

«و التفصیل أن عدم صحة السلب عنه و صحة الحمل عليه بالحمل الأولی الذاتی الذی کان ملاکة الاتحاد مفهوما علامة كونه نفس المعنى و بالحمل الشائع الصناعی الذی ملاکة الاتحاد وجودا بنحو من أنحاء الاتحاد علامة كونه من مصاديقه و أفرادہ الحقیقیة.»^۱

توضیح:

- ۱) ملاک حمل اولی اتحاد مفهوم موضوع و مفهوم محمول است.
- ۲) و ملاک حمل شایع اتحاد مصداقی و وجودی است [اعم از حمل بالذات = «زید و انسان»، و حمل بالعرض که خود گاه صدوری است = «زید ضارب»، گاه حلولی است = «زید ایض»، و گاه اعتباری است = «زید مالک»]
- ۳) این حمل ثابت می‌کند که موضوع از مصادیق حقیقی و افراد حقیقی محمول است [یعنی زید مصداق حقیقی انسان، و مصداق حقیقی ایض و مالک و ضارب است]

ما می‌گوییم:

- ۱) صحت سلب و حمل، قرار بود معنای حقیقی را معلوم کند. درحالیکه طبق فرمایش آخوند «مصداق حقیقی بودن» را معلوم کرد و لذا باید گفت از دیدگاه مرحوم آخوند صحت حمل شایع، مبین معنای حقیقی نیست بلکه مبین «مصداقیت حقیقی» است.
- ۲) گفتیم در حمل شایع، گاه موضوع مصداق ذاتی محمول است (زید انسان) و گاه مصداق عرضی محمول است (زید ایض).
- ۳) پس حمل شایع - طبق نظر آخوند - معلوم می‌کند که موضوع مصداق حقیقی محمول است اعم از اینکه مصداق حقیقی ذاتی باشد یا مصداق حقیقی عرضی.
- ۴) از آنچه گفتیم معلوم شد که حرف برخی از محشین [مرحوم فاضل در ایضاح الکفایة، ج ۱ ص ۱۱۲ و مرحوم مروج در منتهی الدرایة، ج ۱ ص ۸۴] که مصداقیت حقیقی را تنها به معنای مصداقیت ذاتی گرفته اند، کامل نمی‌باشد.
- ۵) مرحوم روحانی در منتقى الاصول تلاش کرده است تا ثابت کند حمل شایع علاوه بر اینکه «مصداقیت حقیقی» را ثابت می‌کند، حقیقت بودن معنی را هم معلوم می‌کند. ایشان می‌نویسد:

۱. کفایة الاصول، ص ۱۹



«و أما الحمل الشائع الصناعي، فدلالته على الوضع من جهة ان ملاكه الاتحاد في الوجود، فإذا علم ان هذا الفرد وجود لمعنى معين، فإذا حمل عليه اللفظ بما له من المعنى على الفرد بما انه وجود لذلك المعنى المعين فصحته تعنى ان الفرد بما انه وجود للمعنى المعين وجود للمعنى المرتكز للفظ، و ذلك معناه اتحاد المعنيين الكاشف عن وضع اللفظ للمعنى المعين.»^۱

توضیح:

- ۱) حمل شایع بر وضع (معنای حقیقی) دلالت دارد چراکه: ملاک این حمل اتحاد در وجود است.
- ۲) به این بیان که [اگر معنای انسان را نمی دانیم ولی توانسته ایم صحت حمل «زید انسان» را احراز کنیم]، در حقیقت می دانیم زید مصداق معنی معین (حیوان ناطق) است.
- ۳) پس اگر انسان را بر زید (با عنایت به اینکه مصداق حیوان ناطق است) حمل کردیم و این حمل هم صحیح بود، معلوم می شود که زید که مصداق حیوان ناطق است، مصداق انسان هم هست.
- ۴) و این یعنی معنی انسان، معنی حیوان ناطق است.
- ۵) و این اتحاد دو معنی، یعنی لفظ انسان، برای حیوان ناطق وضع شده است.

این مطلب مورد اشکال واقع شده است. حضرت امام بر این بیان اشکال می کنند. ایشان می نویسند:

«و أمّا الحمل الشائع فلما كان على قسمين بالذات و بالعرض، فمع بينهما لا يمكن الكشف، و مع التميّز عاد المحذور المتقدم فإنّ العالم بأنّ الحمل بالذات عالم بالوضع للطبيعة المحمولة قبل الحمل.»^۲

توضیح:

- ۱) [آنچه در بیان فوق آمد، وقتی صحیح است که حمل، حمل شایع بالذات باشد. یعنی انسان بر زید بما هو حیوان ناطق حمل شده باشد ولی اگر حمل، حمل شایع بالعرض باشد یعنی ضاحک و ابیض بر زید بما هو حیوان ناطق حمل شده باشد، نمی توان گفت معنای ابیض، حیوان ناطق است.]
- ۲) حمل شایع دو قسم است: ذاتی و عرضی.
- ۳) وقتی نمی دانیم که این حمل شایع از کدام نوع است [مثلاً: در «کتاب جسم است» نمی دانیم که کتاب مصداق ذاتی جسم است و یا مصداق عرضی آن] نمی توانیم بگوییم این مصداق حقیقی ذاتی است یا مصداق حقیقی عرضی.
- ۴) و اگر از قبل می دانید که این موضوع، مصداق بالذات است (و نه مصداق بالعرض) پس از قبل می دانید که معنای

۱. منتقى الاصول، ج ۱ ص ۱۷۷

۲. مناهج الوصول، ج ۱، ص ۱۲۸



حقیقی چیست.

ما می‌گوییم :

- ۱) تا کنون گفته ایم - با پذیرش اشکال امام - که از حمل شایع نمی‌توانیم وضع را دریابیم ولی می‌توانیم «مصدق حقیقی بودن» موضوع برای محمول را معلوم کنیم. اما این مصداقیت حقیقی، اعم است از بالذات و بالعرض.
- ۲) لکن در همین مقدار، لازم است به اشکال مرحوم خوبی و جواب مرحوم اصفهانی - که در بحث حمل اولی آوردیم - عنایت داشته باشیم. در آنجا گفتیم:



جمع بندی علایم صحت حمل:

صحت حمل و عدم صحت سلب نه در حمل اولی و نه در حمل شایع علامت حقیقت نیست.

۲ نکته:

نکته اول) مرحوم محقق داماد - علی ما فی تقریرات آیت الله طاهری و علی ما بینه سیدنا الاستاذ و نجله الامجد - با اینکه علایم صحت حمل را نمی‌پذیرند ولی آن را فی الجملة دارای اثر می‌دانند. ایشان می‌نویسد:

«و الذي يمكن أن يقال: أن صحة الحمل و عدم صحة السلب إنما يكون دليلاً على توسعة المفهوم الحقيقي بعد العلم بأصل المفهوم في الجملة، فإذا علم أن مفهوم الماء هذا الموجود الخارجي فشك في بعض موارد أنه من مصاديق ذلك المفهوم أو لا، يرجع إلى صحة السلب و عدمها و هكذا في الحمل الاوّل بعد حمله على مفهوم مفصل يعلم منه دائرة المفهوم سعة و ضيقاً»^۱

توضیح:

- ۱) گاهی اصل معنا و مفهوم را می‌دانیم ولی در توسعه و ضیق آن مفهوم شک داریم [مثلاً می‌دانیم صعيد برای «معنای أرض» وضع شده ولی نمی‌دانیم که آیا مطلق وجه الأرض موضوع له است یا تراب خالص]
- ۲) در این موارد به صحت سلب و عدم صحت سلب رجوع می‌کنیم.
- ۳) به این نحوه که اگر توانستیم بگوییم «مطلق الأرض صعيد» می‌گوییم معنای صعيد، توسعه دارد.

۱. المحاضرات، ج ۱ ص ۶۲



۴) این در محدوده حمل شایع است اما در محدوده حمل اولی:

۵) اگر توانستیم بگوییم «الحيوان الناطق انسان» در جایی که اصل معنای انسان را می دانیم ولی سعه و ضیق آن را نمی دانیم [می فهمیم «مفهوم انسان» و «مفهوم حیوان ناطق» از حیث سعه و ضیق یکی هستند، پس هر که «حیوان ناطق» است، «انسان» هم هست.

ما می گوییم :

۱) با توجه به اشکال سوم و چهارم که از ناحیه امام خمینی مطرح شده بود می توان این مطلب را رد کرد چراکه گفتیم:

۲) حکم به صحت حمل متوقف بر علم تفصیلی به معنای موضوع و محمول است و لذا قبل از حمل باید از توسعه و ضیق معنای الفاظ مطلع باشیم و الا نمی توانیم حکم به صحت حمل های مذکور کنیم.

